نگاهی به فیلم «درب» به بهانه اکران در سینماهای فرانسه

تنها باش اما غمگین، نه!

گروه فرهنگی - رویا سلیمی: فیلم سینمایی «درب» به نویسندگی و کارگردانی هادی محقق، که این روزها در بیش از ۶۰ شهر فرانسه اکران شده است پیش از این نیز با اقبال بسیاری از سوی فستیوال‌های جهانی داشته است. «درب» تنها اثر حاضر در چهلمین جشنواره فیلم فجر بود که در گونه فیلم‌های موسوم هنر و تجربه جای می‌گیرد. از همان پلان ابتدایی فیلم، تاثیر سینمای کیارستمی را در اثر می‌بینیم. تک درختی در دل کوه و مردی تنها و دوربینی پر حوصله که قرار است ریتم واقعی زندگی را بر ریتم فیلم تحمیل کند. نگاه ناتورال فیلم به شخصیت‌ها با لانگ شات‌هایی از طبیعت بکر و کمتر دست خورده استان کهکیلویه و بویراحمد، دشت سر سبز، جاده و تک ماشینی تک سرنشین در جاده‌هایی که گویی متجاوزانه به طبیعت دست اندازی کرده‌اند، از تاثیرات بسیار مهم «درب» از سینمای کیارستمی است. علاوه بر کارگردانی و نحوه برخورد با سوژه در فیلم، در پلات و قصه اصلی نیز این تاثیر و تاثر وجود دارد. مامور برقی که برای روشنایی بخشیدن به کلبه‌ای سنگی و تک افتاده در دل دشت، تلاش شبانه روزی می کند. روایت شخصیت اصلی فیلم «خانه دوست کجاست» داستان پسرکی که برای تحویل دادن دفترچه مشق دوستش، رنج بسیار می‌کشد و متحمل سختی‌های بسیاری می‌شود. «درب» روایتگر این سختی است برای رسیدن به حسی انسانی و فارغ از منافع شخصی. عقل و منطق دنیای مادی بر شخصیت اصلی فیلم حاکم نیست تا سود خصوصی را تقویت کند. شخصیت تنها برای انگیزه‌ای انسانی حرکت می‌کند. فیلم از روایت دراماتیک یک قصه متدوال صرف نظر می‌کند و با تقلیل آن به داستانی تک خطی، سعی دارد انسان را در دل طبیعت و جزئی از آن ببیند. تصویر حضور و وجود زندگی ماشینی در یک المان دکل برق، گویی وصله ناجوری است بر تن طبیعتی بکر که وجود یا عدم آن، هر دو بر ریتم یکنواخت زندگی خلل ایجاد می‌کند. اما هر چند «درب» با نماهای لانگ شات و کارت‌پستالی، آرامش و سکون فضا را القا می‌کند، اما در عین حال در تناقضی بی‌منطق با مفهوم فیلم قرار می‌گیرد. کارگردانی و نوه برخورد با سوژه، با قصه‌ای که قصد بیان آن را دارد همخوانی ندارد. فیلم تک پرس.ناژی که تنها در یک هدف را در زیست روزمره خود دنبال می‌کند، تعدد نماهای لانگ آن را از مخاطب فاصله می‌دهد و نقش محیط را بر مفهوم تحمیل می‌کند. این لانگ شات‌های متعدد و قاب ثابت در خدمت مضمون قرار نمی‌گیرد و بیرون می‌زند. ضمن اینکه سبک مستندگون روایت بی کنش، با کمترین دیالوگ و اکت دراماتیک، به سردرگمی در روایت رسیده است. درواقع می‌توان گفت «درب» میان سینمای داستانی، مستند و یا فیلم‌های موسوم به هنر و تجربه‌ای معلق است. هیچکدام از آنها نیست و در عین حال می‌تواند در میان آنها نیز جای بگیرد. وام دار برخی از ویژگی‌های هر کد ام از آنها اما نمی‌تواند به شکل مستقل متعلق به یکی از آنها باشد استفاده از نا بازیگر، تصاویر چشم‌نواز، ریتم کند و تقلیل درام، نمی‌تواند «درب» را به فیلمی هنری با نگاهی ناتورالیستی تبدیل کند. در نهایت شبه مستندی می‌شود که در هر گونه قرار می‌گیرد و برخورد اثر با مخاطبش را دچار اختلال می‌کند. نکته دیگر در فیلم، ستایش و دلبستگی فیلم‌ساز به طبیعت است اما این ستایش به شکلی غمگنانه انسان در تعامل با آن را مستاصل و در رنج نشان می‌دهد. گویی آرامش حاکم بر فضا، کمکی به آنها نکرده و عدم ارتباط با طبیعت، شخصیت‌ها را دچار استیصال و سردرگمی می‌کند. ضمن اینکه تصاویر کارت پستالی می‌تواند دیدن فیلم را روی پرده لذت‌بخش کند، اما فراتر از آن نمی‌رود و نمی‌تواند پیوند انسان با طبیعت و جهان فارغ از هر گونه تصنع دست ساخت را در میان شخصیت‌ها به هم‌زیستی برساند. در نهایت می‌شود فیلمی با برداشت و لوکیشن‌های زیبا و چشم نواز که پس از گذشت پانزده دقیقه از آن دیگر بار سینمایی خود را از دست می‌دهد و به چشم عادی می‌نمایاند. اما نکته‌ای که در این میان «درب» را می‌توانست فراتر از آثار کیارستمی و دیگران ببرد، نوع مواجهه وضعیت انسانی در شرایط حال شخصیت‌ها و در دهه ۱۴۰۰ است. محقق می‌توانست در اثر خود مفهومی که به نظر می‌رسد با مدرنیته در تضاد است را به درام برساند و از آن بهره سینمایی ببرد که این بهره تنها به برداشت‌های کارت‌پستالی و چشم نواز خاتمه پیدا کرده است.

سرای معین‌التجار و دانشکده ادبیات اهواز، نماد بی‌ارادگی مدیران

اشکان زارعی*

سازه‌ها، ساختمان‌ها و خانه‌های تاریخی، بخشی از میراث فرهنگی هستند که از یک‌سو بازتاب دهنده فرهنگ، هنر، مهرازی (معماری) شیوه زندگی، کنش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گذشتگان به شمار می‌آیند و از سوی دیگر میان شهروندان هم‌سرشت پنداری پدید می‌آورند. هم‌چنین آن‌ها جایگاهی ارزنده در شکوفایی و بالندگی گردشگری به دوش می‌کشند، آن جا که به سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و درآمدزایی می‌انجامد.

به همین شوند (دلیل) امروزه از ساختمان‌ها و خانه‌های تاریخی در ساختاری تازه چون: مهمانخانه، چایخانه، همایشگاه، کتابخانه، موزه و نمایشگاه، کارگاه‌های آموزشی و... بهره می‌برند تا هزینه‌های نگهداری آن‌ها کاهش یافته، ویژگی‌های میراثی وفرهنگی این سازه‌ها، بهتر به نمایش گذارده شود. برای نمونه می‌توان از خانه اردوبادی تبریز، خانه دهدشتی اصفهان و خانه موزه عروسک و اسباب بازی کاشان یاد کرد.

برپایه همین رویکرد در خوزستان نیز از واپسین سال‌های دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ خورشیدی سازه‌های تاریخی برخی از شهرها مانند خانه سرابی و مستوفی شوشتر و خانه سوزنگر و حمام کرناسیون دزفول کاربری چندگانه یافته، درهای آن‌ها به روی گردشگران و دلبستگان میراث فرهنگی گشوده شد.

شوربختانه، این راهبرد در شهر اهواز که در سه دهه گذشته بیش از دویست ساختمان تاریخی با پیشینه قاجاری و پهلوی اول در آن شناسایی شده، سرانجامی نداشته است. ساختمان‌هایی مانند خانه‌های دادرس، منشی‌زاده، قزلباش، سبزه‌زاری، خانه‌های بانک ملی، بنگه‌های راه‌آهن، دانشسرای مقدماتی، هتل قو و... که بسیاری ثبت ملی گردیده، برخی بازسازی شده و بعضی نیز مانند خانه نفیسی و سرای عجم فرو ریخته، ویران شده‌اند. البته از این سیاهه بلند بالا تنها خانه ماپار به بهره‌برداری رسید که این جستار در بازه خود شوری شگرف در میان مردم اهواز پدید آورده، زمینه‌ساز تکاپو در هازمان (جامعه) گردشگری گردید.

از میان سازه‌های پرشمار تاریخی شهر اهواز بی‌گمان سرای معین‌التجار و دانشکده ادبیات (سه گوش) به شوند (دلیل) دیرینگی، کارسازی و مهرازی (معماری) از جایگاهی ممتاز و برجسته برخوردار هستند. چنان‌که سرای معین‌التجار را باید پایه‌گذار اهواز کنونی و کهن‌ترین بنای این شهر دانست. زیرا سال ۱۲۶۶ خورشیدی هنگامی که ناصرالدین شاه قاجار امتیاز کشتیرانی و بازرگانی در رود کارون از خرمشهر تا اهواز را به شرکت انگلیسی «برادران لینچ» واگذار نمود، این شهر با بهره‌مندی از این فرآیند روزگار تازه‌ای را آغاز کرده، به شوند (دلیل) ساخت سرای معین‌التجار زمینه نوگرایی و بالندگی آن فراهم گردید.

از آن‌جا که بخشی از رود کارون در شهر اهواز پوشیده از صخره‌های طبیعی و کمره‌های سنگی به جای مانده از سد باستانی این شهر بود و کشتی‌ها نمی‌توانستند گذر کنند، برای چاره‌اندیشی از این گرفتاری، محمد تقی معین‌التجار به همراه محمدحسن‌خان سعدالدوله با پایه‌گذاری شرکت ناصری (برآمده از نام شاه قاجاری) امتیاز کشتیرانی و بازرگانی از اهواز تا شوشتر را به دست آورد.

وی این سرا را در ۱۷۰۰ مترمربع با دیوارهای خشتی و نمای آجری با ۹ اتاق بزرگ و ۲۴ فروشگاه برای رفت و آمد کشتی‌ها در ساحل کارون راه‌اندازی کرده، بارانداز، اسکله، انبار، کاروانسرا، بانک، گرمابه، مسجد، بازار، ساباط و هم‌چنین به گفته برخی، باغی را که اکنون «باغ معین» گفته می‌شود در کرانه کارون با انبوهی از درختان گوناگون ساخت. در همین راستا کشتی‌هایی که از خرمشهر به شوشتر می‌آمدند، در اهواز کالاهای خود را پیش از برآمدگی‌های سنگی کارون پیاده کرده، با واگن‌های اسبی و سپس خط‌آهن شرکت نفت، ۳ کیلومتر بالاتر از تجارت‌خانه معین‌التجار می‌فرستادند تا آنجا با کشتی روانه شوشتر شوند.

برخی، سرای معین‌التجار را خانه شیخ خزعل می‌خوانند، در حالی که این سرا به روزگار ناصرالدین شاه ساخته شد اما خزعل سال‌ها پس از پایه‌گذاری این تجارت‌خانه به هنگام پادشاهی مظفرالدین شاه به فرمانروایی خرمشهر و بخشی از خوزستان رسید

از آن‌جا که محمدتقی‌معین‌التجار در شوشتر سال‌ها کار بازرگانی می‌کرد و نخستین بانک خوزستان را نیز در این شهر راه‌اندازی کرده بود، زمینه‌ساز آمدن شوشتری‌های بسیاری به اهواز شد، به ویژه آن‌که در آن روزها شوشتر سر و سامان درستی نداشت.

به گفته احمد کسروی «در آن زمان در بازار، اوباشی سخت گرم بود و گردنکشان، محله‌های شهر را میان خود بخش کرده بودند». به همین شوند (دلیل) مردم این شهر که از دیرباز دستی توانا درصنعت، بازرگانی، خرید و فروش و پیشه‌وری داشتند، روانه اهواز شده، نخستین قصابی، نانوایی، حلیم‌پزی، خیاطی، بقالی، پارچه بافی، عطاری، و...را به راه انداخته، بستر خوبی برای شهرنشینی آن پدید آوردند. در پی آبادانی اهواز، شهروندانی از سراسر ایران برای سرمایه‌گذاری و یافتن کار به سوی این شهر شتافتند از این‌رو در زمانی کوتاه شمار کاروان‌سراها و بانک‌ها در اهواز افزایش یافت. شرکت‌های اروپایی نیز مانند لینچ، دارای نمایندگی شدند. حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه‌مافی استاندار (حکمران) وقت خوزستان برای برپایی امنیت، پادگانی در اهواز ساخت. به پیشنهاد او نیز خیابان‌های شهر با الگوبرداری از شهر باستانی هرمزاردشیر، مانند رویه شطرنج «همه راست کشیده و چون دو خیابان به هم می‌رسید زاویه قائمه پدید می‌آورد». هم‌چنین کمی بالاتر از سرای معین‌التجار، در کنار کارون، جایی که امروزه اهواز قدیم خوانده می‌شود تازه واردان به ویژه شوشتری‌ها خانه‌هایی به شیوه مهرازی «معماری» شهرشان ساخته وبا همکاری حاج محمدتقی دولتی و میرزاجلال موقر بوشهری برای نخستین‌بار از آب لوله‌کشی شده بهره بردند.

با آغاز جنگ جهانی اول و بسته شدن راه‌های شمال ایران به اروپا، از آن‌جا که دادوستد کالاها در بندرهای جنوبی انجام می‌گرفت، سرای معین‌التجار پیشرفت بیشتری کرده، آوازه آن تا هند و آفریقا نیز رسید. سرپرسی سایکس در این زمینه می‌گوید: «اهواز این ایام نسبت به شش‌سال قبل پیشرفت‌هایی کرده و اصلاحاتی در آن شده است، از این رو جمعیت این شهر که در گذشته ۴۰۰ تا ۷۰۰ تن گزارش شده بود به یک‌باره به هزاران تن رسید».

به گواه تاریخ نگاران و سفرنامه نویسان ایرانی و انیرانی، اهواز از سده‌های هفتم تا چهاردهم قمری ویرانه‌ای بود که هیچ ریخت شهری نداشت. چنان‌که میرزا مهدی خان استرآبادی در کتاب جهان‌گشای نادری، میرزا محمدصادق بیگ ترکمان در کتاب عالم آرای عباسی، حاج عبدالغفار نجم‌الملک در سفرنامه خوزستان و سرهنری لایارد درسفرنامه خود درباره بسیاری از شهرهای خوزستان سخن گفته‌اند، اما از اهواز نامی نبرده یا آن را روستایی کوچک و پراکنده دیده‌اند. از این‌رو شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۴ هجری و نادرشاه افشار در سال ۱۱۴۲ هجری وقتی برای سرکوب گردنکشان به خوزستان می‌آیند، برای آرمیدن به رامهرمز، شوشتر و هویزه می‌روند. زیرا اهواز آن روزگار از جایگاه شهری و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار نبوده است.

هم‌چنین مادام ژان دیولافوا که ۱۳۷ سال پیش ۳ روز در اهواز بوده درص۷۲۷ کتاب «ایران، کلده وشوش» در سال ۱۸۸۷ میلادی درباره این شهر چنین می‌گوید: «این شهر بیش از دویست نفر سکنه ندارد که همه فقیرند و با نهایت سختی زندگی می‌کنند. لرد کرزن نیز دو سال پس از خانم دیولافوا در ص۴۲۵ کتاب ایران و قضیه ایران، اهواز را قریه‌ای دیده «که چند خانه گلی و حصیری پراکنده با جمعیتی نزدیک به هفتصد نفر دارد.

از این‌رو اگر سرای معین‌التجار را که در سال ۱۳۷۷ خورشیدی به شماره ۲۱۵۸ ثبت ملی گردید، نماد اهواز نوین و زمینه‌ساز پدیداری این شهر در ساختار امروزین بدانیم، پر بیراه نیست. بی‌گمان دانشکده ادبیات نیز همچون سرای معین‌التجار سرگذشتی پر فراز و فرود و کارساز در یک سده گذشته اهواز دارد.

در سال ۱۳۰۸ خورشیدی نخستین بانک ملی اهواز به فرمان رضاشاه در زمینی با پهنه (مساحت) ۳۰۰۰ هزار متر مربع در نزدیکی رود کارون به دست «آندره گدار» مهندس فرانسوی ساخته شد. بنایی که اینک دانشکده ادبیات خوانده می‌شود در یک بازه ۹۴ساله از بانک ملی و استانداری گرفته تا مرکز فرماندهی متفقین در جنگ دوم جهانی و از فرمانداری تا دارایی و سازمان آمریکایی اصل ۴ ترومن با کاربری‌های گوناگون بارها دست به دست شده، سرانجام در سال ۱۳۳۶ خورشیدی نخست از سوی بانک ملی در برابر دومیلیون و دویست هزارتومان به دانشگاه گندی‌شاپور اهواز فروخته شد و سپس در سال ۱۳۵۷ به دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه واگذار گردید.

پیرامون چگونگی ساخت این دانشکده دیدگاه‌های گونه‌گونی است، به باور برخی، نقشه نخستین آن را گروه مهرازان (معماران) آموزشگاه آلمانی «باهاوس» با بهره جستن از مهرازی آجری دزفول و شوشتر آماده کردند. سپس آندره گدار بر پایه مهرازی (معماری) ساسانیان و آمیختن آن با شیوه مهرازی روزگار پهلوی اول یعنی قوس‌های دایره‌ای ایوان‌ها و رواق‌های حیاط مرکزی وآجرکاری و کاشی کاری‌های دوره اسلامی با رنگ و لعاب‌های آبی و فیروزه‌ای زیبا و به کار گیری دو در در جلو و پشت و یک باغچه اندرونی، در ریختی «مثلثی» یا «سه گوش» این ساختمان را بنا نهاد. به همین شوند (دلیل) به آن ساختمان «سه گوش» هم گفته می‌شود.

برپایه آن‌چه گذشت، اهواز افزون بر نفت وصنعت، خانه‌های تاریخی بسیار دارد که هریک بخشی از شناسه (هویت) گروهی شهروندانش به شمار آمده، آگاهی و شناخت دراین باره «حق» آنان است. اما شوربختانه در همه سال‌های گذشته به شوند (دلیل) کوتاهی و کم‌کاری دست‌اندرکاران شهری، مردم اهواز از این «حق» که در کلان‌شهری‌های دیگر به آسانی برآورده شده، دورمانده‌اند. از این‌رو جای شگفتی و پرسش دارد چرا در اهواز پایتخت استان که می‌بایست نگاهی ویژه و کاربردی‌تری به آن باشد، فرآیند سود جستن از سازه‌ها و خانه‌های تاریخی نارکارامد و سترون (عقیم) بوده است؟

بی‌گمان چنین گنجینه‌های تاریخی در هر کلان‌شهر دیگری بود، سال‌ها پیش سامان دهی می‌شدند. باید افسوس خورد برای استانی که زرخیز است و دارا، اما شهروندانش نمی‌توانند از گذشته تاریخی خود بهره‌ای ببرند. به راستی گره کار کجاست؟ ساختمان‌های تاریخی؟ شهروندان اهواز؟ ناکارآمدی قانون؟ و یا مدیرانی که برداشت درستی از جایگاه ارزشمند میراث فرهنگی و گردشگری ندارند؟

اگر سالی یک سازه و خانه تاریخی بازسازی و به بهره‌برداری می‌رسید، امروز ما با نموداری روشن و فربه از دیدنی‌ها و ویژگی‌های گردشگری در اهواز روبرو بودیم که می‌توانست جنبشی بزرگ در سپهر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و روانی هازمان (جامعه) اهواز پدید آورد. آیا سه دهه، بازه بهینه‌ای برای سر و سامان دادن به سرای‌معین‌التجار و دانشکده ادبیات که هم‌چون نگینی درخشان در خاور و باختر اهواز می‌درخشند، نبوده است؟ ساختمان‌هایی که با پول مردم بازسازی گردیده‌اند، اما بی‌هیچ سودی رها شده، در حال فرسایش هستند.

فرنشینانی (مدیرانی) که همواره از «حق‌الناس» سخن می‌گویند، آیا سازه‌های تاریخی اهواز به ویژه سرای معین‌التجار و دانشکده ادبیات نمونه‌ای گویا از «حق‌الناس» نیستند؟ آیا نمی‌توانند در سازمان اداری هم دور یک میز نشسته با همدلی و پیروی از قانون گره از کار میراث فرهنگی و گردشگری اهواز بگشایند؟

چنان‌که بر پایه ماده ۹۸ برنامه ششم توسعه «همه ادارات و سازمان‌های دولتی موظفند ابنیه تاریخی در حوزه خود را مرمت نموده و بهره برداری کنند» هم‌چنین بر پایه بند ۱۱۵ قانون محاسبات «هیچ یک از دوایر دولتی اجازه فروش بناها و ساختمان‌های تاریخی مربوط به خود را ندارند.» از سویی بر پایه بند ب ماده ۹۸ قانون «تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، ادارات می‌توانند بناهای مازاد خود یا بناهایی که تکلیفشان روشن نیست (که ساختمان‌های تاریخی می‌تواند در این جرگه باشد) را به یکدیگر واگذار نمایند.»

از آن‌جا که وزارت میراث فرهنگی و ادارات کل استان‌ها در حوزه میراث فرهنگی هم‌چون ساختمان‌ها و خانه‌های تاریخی «صلاحیت عام داشته» و پرداختن به این جستارها «خویشکاری (وظیفه) سازمانی و قانونی آنان است که همه نهادهای لشکری، کشوری و قضایی باید از وزارت میراث پیروی کنند» بنابراین اداره میراث اهواز و اداره کل میراث فرهنگی خوزستان می‌تواند به ساختمانی تاریخی دولتی (بلاتکلیف) مانند دانشکده ادبیات رسیدگی نماید.

هم‌چنین بر پایه بند ۲۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری و شوراها که از «تشریک مساعی با فرهنگ و برای حفاظت از آثار و بناها تاریخی در حوزه شهری» سخن می‌گوید؛ شهرداری اهواز می‌تواند «با نظارت اداره میراث فرهنگی به خرید، مرمت و بهره‌برداری بناها و خانه‌های تاریخی با مالکیت خصوصی اقدام کند.» این ماده قانونی اگر پیگیری شود، درهای بسته بسیاری از ساختمان‌ها و خانه‌های تاریخی که «مالکیت خصوصی» دارند و «بلاتکلیف» نیز هستند مانند سرای «معین‌التجار» و «هتل قو» گشوده خواهد شد.

اکنون باید پرسید، چرا شهرداری و شورا اسلامی شهر اهواز تاکنون به جستارهای (موضوعات) پیرامون ساختمان‌های تاریخی و میراثی نپرداخته است؟ چرا مانند کلان‌شهرهای دیگر معاونت میراث فرهنگی در شهرداری راه اندازی نگردیده است؟ چند بار از انجمن‌های مردم نهاد در این حوزه کمک خواسته شده است؟ چرا دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی به ویژه دانشگاه چمران، که دانشکده ادبیات در جرگه دارایی آنان است گامی چشمگیر برنداشته‌اند؟ و از همه بدتر، اداره میراث اهواز و اداره کل میراث فرهنگی خوزستان چرا از اختیارات خود در این باره بهره نبرده است و اگر کاری کرده، چرا گزارش آن‌ها رسانه‌ای نشده است؟

با استواری می‌توان گفت شوند «توسعه نیافتگی» میراث فرهنگی و گردشگری در اهواز، دست‌اندرکارانی شهری هستند که آگاهی، اراده و شناخت درستی از میراث فرهنگی و گردشگری ندارند. به راستی کدام یک نمایندگان مجلس و شورها از گذشته تاکنون جدای از سهم‌خواهی‌ها و نگرش‌های قومی پیرامون میراث فرهنگی از این جستار پشتیبانی کرده‌اند؟ آیا یکبار از سرای‌معین‌التجار و دانشکده سه گوش نامی برده‌اند؟

از این‌رو شایسته و بایسته است اداره کل میراث فرهنگی خوزستان که از سال گذشته دگرگونی‌های مدیریتی داشته و رویکرد نوینی را در پیش گرفته است در آغاز سال ۱۴۰۲ خورشیدی با نگرشی نو و کارآمد، رسیدگی و بهره‌برداری از خانه‌های تاریخی به ویژه سرای‌معین‌التجار و دانشکده ادبیات را برنامه‌ریزی نموده و در این زمینه بیش از پیش خود را پاسخگو بداند.

یاری‌نامه:

سفرنامه خوزستان، عبدالغفار نجم‌الملک
سفرنامه لافتوس، سرهنگ لافتوس
سفرنامه لرستان و خوزستان، کلمنت اوگاستس دوبد
ایران، کلده، شوش، مادام دیولافوا
تاریخ پانصدساله خوزستان، احمد کسروی
خوزستان، کهگیلویه و ممسنی، احمد اقتداری
تاریخ اهواز، محمد تقی‌زاده
تاریخ خوزستان، مهراب امیری
نگاهی به تاریخ خوزستان، ایرج افشار سیستانی.
آثار و بناهای تاریخی خوزستان، احمد اقتداری.
تاریخ خوزستان، مصطفی انصاری.
تاریخ کشتیرانی در کارون، اکبردلفی موسوی.

* **فعال میراث‌فرهنگی**

اخبار کوتاه

صدور مجوز ساخت فیلم برای نوید محمودی و بهمن کامیار

شورای پروانه ساخت فیلم‌های سینمایی به تازگی با تولید چند فیلم سینمایی موافقت کرده است که طبق اعلام روابط عمومی این سازمان یکی از این فیلمنامه‌ها «لاک پشت» است. «لاک پشت» قرار است به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی بهمن کامیار ساخته شود. کامیار در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ به فیلم «نیم»، «مرداد» و «در وجه حامل» را ساخته است.
همچنین براساس اطلاعات سایت سازمان سینمایی، پروانه ساخت فیلم سینمایی«آخرین تولد» به نویسندگی و کارگردانی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی صادر شده است.
نوید محمودی نیز در سال‌های گذشته فیلم‌های «رفتن»، «هفت و نیم» و «مردن در آب مطهر» را کارگردانی کرده بود. «جلبک» به تهیه‌کنندگی و نویسندگی سیدابراهیم عامریان و کارگردانی کریم محمدامینی دیگر فیلمنامه‌ای است که از سازندگان فیلم «فسیل» - که این روزها در اکران یکه‌تازی می‌کند- به تازگی پروانه ساخت گرفته است.

نمایشی از شهرام گیل‌آبادی در ایرانشهر

نمایش «۶۵۷» به نویسندگی محمد چرمشیر و شهرام گیل‌آبادی و به کارگردانی شهرام گیل‌آبادی از دوشنبه هشتم خردادماه در تماشاخانه ایران‌شهر اجراهای خود را آغاز میکند. به گزارش ایرنا از روابط عمومی تماشاخانه ایران‌شهر؛ نمایش «۶۵۷» قصه کولبر عاشقی است که ماشین‌خواب شده است. این نمایش به کارگردانی شهرام گیل آبادی و با بازی سیما تیرانداز، امیر عظیمی، حمیدرضا ترکاشوند، فرانک جواهری، هلیا عمرانی، سحر رضاقلی، سینا صفری، محمدمهدی قاسمی، محمد سنجری، محمدحسین ابراهیمی از دوشنبه هشتم خردادماه هر شب به جز شنبه‌ها ساعت ۱۹ در سالن استاد سمندریان این تماشاخانه به صحنه می‌رود.

«آه سرد» مجوز اکران گرفت

پروانه نمایش «آه سرد» صادر شد و این فیلم سینمایی آماده اکران است.
به گزارش ایرنا از روابط عمومی «آه سرد»، پروانه نمایش این فیلم سینمایی به تهیه‌کنندگی رضا محقق و کارگردانی ناهید صدیق از سوی سازمان سینمایی صادر شد. «آه سرد» نخستین فیلم سینمایی در کارنامه ناهید صدیق است که خود نیز فیلمنامه آن را نوشته است.
این فیلم سال گذشته در بخش سودای سیمرغ چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت و سیمرغ بلورین ویژه هیات داوران بخش سینمای سعادت به ناهید صدیق اهدا شد.
داوران بخش سینمای سعادت شامل ای آر رحمان، کارن شاه نظرف، آن دمی گروئه، یو وی حاج سری، جورج اواشولی، محمدرضا عباسیان و محمد شهباز بودند. ایمان صدیق و علی باقری بازیگران اصلی این فیلم هستند. محمد اشکانفر، سالار دریامج، امیر شمس، امیر آرام، کوروش اشراقی، حسام رضاییان، اهورا بهرامی، برسام بهرامی دیگر بازیگران این فیلم هستند. در خلاصه داستان «آه سرد» آمده است: بها و بهرام در جاده‌ای همراه و همسفر شده‌اند، بیآنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. بها در فکر انتقام است تا به رنج‌هایش پایان دهد...

کنسرت جدید علی رهبری در سنت پترزبورگ

علی رهبری، رهبر دایم اپرای مارینسکی سنت پترزبورگ روز گذشته روی صحنه رفت.
به گزارش ایرنا در این کنسرت که به مناسبت تجلیل از دو آهنگساز بزرگ ارمنستان، آرام خاچاتوریان و الکساندر آراتونیان بود سوییت شماره ۲ از باله گایانه اثر آرام خاچاتوریان و کنسرتو برای ترومپت و ارکستر اثر الکساندر آراتونیان اجرا شد. سولیست ترومپت این کنسرت، تیمور مارتینوف نوازنده برجسته اهل روسیه بود که در اکثر کنسرت‌های والری گرگیف در کشورهای مختلف شرکت داشته است.
علی رهبری، مدیر هنری سابق ارکسترهای سمفونیک شهرهای بروکسل، مالاگا، پراگ و زاگرب در این کنسرت سمفونی شماره ۸ آنتونین دورژاک را نیز اجرا کرد.
آرام خاچاطوریان در ۶ ژوئن ۱۹۰۳ در شهر تفلیس گرجستان در یک خانواده ارمنی به دنیا آمد. برخی منابع زادگاه وی را روستای کوجوری در نزدیکی تفلیس ذکر کرده‌اند. پدرش یقیا در روستای آزاد بالا نزدیکی اردوباد در نخجوان به دنیا آمده بود و در سن ۱۳ سالگی به تفلیس نقل مکان نموده بود. خاچاطوریان در روز ۱ مه ۱۹۷۸ به فاصله کوتاهی پس از تولد ۷۵ سالگی اش در مسکو درگذشت.وی در روز ۶ مه در پانتئون کومیتاس در ایروان به خاک سپرده شد.
الکساندر گریگوری‌هاروتونیان (آراتونیان)؛ یک آهنگساز و نوازنده پیانو اهل ارمنستان و یکی از آهنگسازان برجستهٔ دوران شوروی ارمنستان بود.
وی در ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۰ در ایروان به دنیا آمد و از کنسروآتوار دولتی کومیتاس در ایروان فارغ‌التحصیل گشت.وی در ۲۸ مارس ۲۰۱۲ در سن ۹۱ سالگی در ایروان درگذشت و در پانتئون کومیتاس به خاک سپرده شد.
آنتونین لئوپلد دوُرژاک (Antonín Leopold Dvořák) زادهٔ ۸ سپتامبر ۱۸۴۱ در نلاهوزوِس بوهم (اکنون در جمهوری چک) – درگذشتهٔ ۱ مه ۱۹۰۴ در پراگ، نخستین آهنگساز بوهِمی بود که به شهرت جهانی دست یافت. او موسیقی فولکلور (بومی) سرزمین مادریِ خویش را در قالب موسیقی رمانتیک قرن نوزدهم ارائه داد. راز محبوبیت دوُرژاک در استعداد شایان توجه او در خلق ملودیهای پرنشاطِ چک بود. از آثار شاخص او می‌توان به سمفونی شماره ۹ (از دنیای جدید) و همچنین «رقص‌های اسلاوُنیک» اشاره کرد.
علی رهبری آهنگساز و رهبر بین المللی ایرانی در تهران نیز حدود ۱۸ سال پیش بعد از ۳۰ سال دوری از وطن با سمفونی دنیای جدید اثر دورژاک در تالار وحدت روی صحنه رفت. در خاتمه این کنسرت با تشویق مخاطبین ارکستر سمفونیک اپرای مارینسکی اهنگ تولدت مبارک را در روی صحنه با حضور اقای والری گرگیف برای علی رهبری نواخت.

فسیل ۱۵۰ میلیاردی شد

با فروش بیش از ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیونی جمعه شب فسیل، این کمدی موفق شد تا گیشه خود را از ۱۵۰ میلیارد تومان بگذراند و علاوه بر رسیدن به این قله، تعداد مخاطبان خود را از تماشاگران مطرب عبور دهد. تعداد مخاطبان فسیل درحالی از مرز ۳ میلیون و ۳۵۳ هزار نفر فراتر رفته که این فیلم توانست با فروش شب گذشته، تعداد تماشاگران خود را از ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر مطرب عبور دهد. با این آمار، فسیل تنها یک قدم تا رسیدن به عنوان پرمخاطب‌ترین فیلم یک دهه اخیر سینمای ایران فاصله دارد. این گام البته برای فسیل، کمی بلند است چرا که این فیلم باید در فاصله ۵۰ روز دیگری که به روی پرده است، رکورد ۴ میلیون و ۲۵۰ هزار نفری هزارپا را پشت سر بگذارد. فسیل برای رسیدن به این قله، به حدود ۹۰۰ هزار مخاطب نیاز دارد که اگر این تعداد مخاطب در فاصله ۵۰ روز آینده محقق شود، با در نظر گرفتن فیمت بلیت، این فیلم علاوه بر اینکه رکورد هزارپا را خواهد شکست بلکه می‌تواند گیشه خود را به ۲۰۰ میلیارد تومان برساند که می‌تواند رکوردهای جذابی را برای این کمدی موزیکال به همراه داشته باشد.
فسیل تا امروز، ۵۵ هزار و ۸۰۰ سانس نمایش داشته است و همچنان با فاصله، از دیگر فیلم‌های روی پرده بهتر می‌فروشد. شهر هرت با بازی پژمان جمشیدی، شاید مهم‌ترین رقیب این فیلم باشد که از روز ۱۷ خرداد به روی پرده خواهد رفت و احتمالا فروش این فیلم را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد. جالب آن‌که شهر هرت را نیز کریم امینی که هم‌اکنون فسیل را در مقام کارگردان به روی پرده دارد، ساخته است. با این حال، فرصت ۵۰ روزه برای فسیل، زمان بسیار خوبی است که بتواند مخاطبان خود را تا رسیدن به یک رکوردشکنی تاریخی، افزایش دهد. بر روی کاغذ، این افتخارآفرینی، کاملا قابل دسترس است چرا که اولا ۵۰ روز آینده، یک زمان طلایی برای سینماها است که به‌واسطه در پیش داشتن اعیاد و البته فصل تابستان و تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، سینماها همواره با افزایش مخاطب مواجه بوده‌اند و ثانیا، فسیل برای رسیدن به گیشه ۲۰۰ میلیاردی، به متوسط روزانه ۱۸ هزار مخاطب نیاز دارد که این آمار، نشان می‌دهد باید منتظر افتخارآفرینیهای بیشتری از این کمدی باشیم.